

## برابری زن و مرد بی اما و اگر مصلحه با پری زارع در مورد 8 مارس

**اکتبر: در آستانه ۸ مارس جریانات مختلف اجتماعی با اهداف خود پا به میدان میگذارند. امسال و به این مناسبت چه کار معین یا متفاوتی میتوان کرد؟**

**پری زارع:** نزدیک به يك دهه است فضای شهرهای کردستان و بخصوص شهر سنندج در آستانه ۸ مارس هماهنگ با تهران و دیگر شهرهای ایران حال و هوای دیگری پیدا میکند. آغازگر بزرگداشت این روز فعالین و شخصیتهای برابری طلب بوده اند و امروز هم ۸ مارس با نام آنها تداعی میشود. آنها هر سال با بکار گرفتن تمامی نیرو و تلاششان پس از کشمکش طولانی

ادامه در ص 3

کی سرآید؟ پرچمش توسط مردم متمدن شهر بانه امروز در فضای پراز شور و احساس، انسان دوستی و کودک دوستی به اهتزاز درآمد، مردم با شور و شوق به این تجمع پیوستن و با شادی و نشاط برگشتند.

کودکان و نوجوانان شهر بانه روزی سر شاراز شادی و نشاط را همراه با خانواده هایشان پشت سر نهادند.

شادی و هلهله در محل برگزاری فستیوال موج می زد کودکان و نوجوانان همراه بزرگتر هایشان با جنب و جوش فراوانی برفهارا جم میکردند، گلوله های برفی را روی هم می گذاشتند، دهها و صدها تندیس برفی که هر کدام شکل و معنایی خاصی به نمایش می گذاشت توسط کودکان

ادامه در ص 2



بیش از دو هزار نفر از مردم شهر بانه به فراخوان "کانون دفاع از حقوق کودکان" جواب مثبت دادند!

## این زمستان کی سرآید!؟

هزاران نفر از مردم شهر بانه امروز گروه گروه به سوی پارک "دوکانان" قرارگاه کمپین "کانون دفاع از حقوق کودکان" رهسپار شدند. مردم بانه به فراخوان احترام به حقوق کودک آری گفتند، فستیوال آدم برفیها با عنوان "این زمستان



مظفر محمدی

**فرصت را از دست ندهید!  
به مناسبت جشن آدم برفی ها!**

جشن آدم برفی ها روزنه ای است بر دنیایی که در آن احترام به حقوق کودک و سلامت و امنیت او از بدیهیات زندگی مردم است. کسانی که این روزنه را بر روی کودکان و خانواده هایشان میگذایند نماینده احترام مردم جامعه ما به حقوق کودکان و الگو و نشانه سلامت این مردم اند.

در فرهنگ سنتی و مذهبی و مردسالار، کودک هنوز در زمره انسان صاحب حقوق نیست. موجودی است که میتوان سربه سرش گذاشت، بی عقلش نامید، تحقیرش کرد و حتی کنکش زد و کمی که بزرگتر شد هم باید پادو خانه باشد و هر چه بزرگترها بگویند اطاعت کند. این فرهنگ به شدت غیر انسانی و ضد حقوق کودک در برخی از جوامع بشری بر افتاده است. اما در جامعه ما که فرهنگ مذهبی و ارتجاعی بر آن حکومت میکند، بی حقوقی انسان، بی حقوقی زن و کودک به قانون نیز تبدیل شده و اجرا میگردد. بگذریم از اینکه بخش عظیمی از کودکان مملکت محل تولد ما از همان کودکی به خاطر فقر و فلاکت خانواده مجبور به کار هم میشوند. در حالیکه کار کودکان در جامعه متمدن، امری زشت و ممنوع است

چند سالی است در شهرهای کردستان و بخصوص شهر سنندج نمایشی انسانی از احترام به حقوق کودک به نام جشن یا فستیوال آدم برفی ها به اجرا در می آید. در این جشن ها ضمن طرح خواستههای انسانی از جانب بزرگترها، خود کودکان هم شرکت کننده این نمایش و در واقع قهرمانان آن هستند. بنیانگذاران این سنت، فعالین حقوق کودک و مادران و پدران این شهرند.

این رسم انسانی در دیگر شهرها هم تکرار و تکثیر شده و میشود. سال گذشته در سنندج و سقز و کامیاران و امسال علاوه بر سنندج، تاکنون در شهرهای مریوان و بانه هم این جشن بر پا شده است. انتظار میرود فعالین و مدافعان حقوق کودک و مادران و پدران که بچه هایشان را نه



رحمان حسین زاده

## اعتراف به شکست

**در حاشیه شکوایه های سازمان "حقوق بشر" کردستان از حکمتیستها شکست پروژه "روزه سیاسی" گریبان فراخوان دهنده آن یعنی سازمان "حقوق بشر" کردستان را رها نمیکند. این شکست بویژه به این دلیل بر این نهاد سخت آمده، چون حمایت کل صف ناسیونالیسم در کردستان ایران در داخل و خارج نتوانست مانع ناکامی تاکتیک "روزه سیاسی" شود. هر دو شاخه حزب دمکرات کردستان و سازمان زحمتکشان و کل نهادها و شخصیتهای ملی و مذهبی و فرهنگی و قانونی ناسیونالیسم در کردستان کمر همت بستند تا "روزه سیاسی" شان را به سرانجام برسانند. این "روزه" گرفته**

ادامه در ص 4

رفتند. این فستیوال با نام این زمستان کی به سر آید از طرف کانون دفاع از حقوق کودکان فراخوان داده شده بود. محوطه دکانان که با ده ها شعار و باندرول در دفاع از حقوق کودکان تزیین شده بود مورد توجه زیاد مردم قرار گرفت.

دخالت فعال شما مردم مبارز بانه در این حرکت فوق العاده انسانی نشانی از احترام به حق و حقوق کودکان و نوجوانان میباشد. کانون با سازمان دادن این حرکت توانست فضا و سیمای شهر را غرق شادی نماید و پیام آور

ادامه در ص 2



## پیام رحمت فاتحی بمناسبت برگزاری فستیوال آدم برفیها در شهر بانه

روز جمعه 13 بهمن بیش از دو هزار نفر از مردم شهر بانه با شور و شوق زیادی به استقبال برگزاری فستیوال آدم برفیها در پارک دکانان

## در صفحات دیگر

**جنایتی هولناک: قتل و سرقت اعضای بدن  
رضادانش ص 2**

## اطلاعیه فرماندهی گارد آزادی

**در شناسایی عاملین این جنایت گارد آزادی را یاری دهید ص 2**

### فستیوال آدم برفیها از ص 1

وتنها دوست دارند بلکه به عنوان انسانهای متساوی الحقوق با خود میشناسند در همه شهرهای کردستان و ایران به استقبال این روش و سنت انسانی بروند و این نمایش را به اجرا در آورند. بگذارید صدای دفاع از حقوق کودک و کودک دوستی در جامعه طنین انداز شود. بگذارید این نمایش انسانی خاری در چشم و سیلی ای بر صورت حاکمانی باشد که ضدیتشان را با کودک، با زن، با کارگر و با کل انسانیت هر روزه از مندا و مطبوعات و بلندگوهای مساجدشان، فریاد میزنند و به نمایش در می آورند. اکنون جشن و فستیوال آدم برفیها مستقیما به حقوق کودک مربوط شده است. این حرکت در هر گوشه جامعه ما به انجام برسد، نشان از سلامت فکر و احترام به سعادت انسانها دارد. مردمی که اینچنین به حقوق نسلهای آینده خود احترام نمیتواند در مورد حقوق انسانی امروز خود ساکت باشد و نبوده اند. این نه تنها نشان از سلامت آحاد جامعه ما بلکه نشانه رزمندگی و سرزندگی و امید به آینده است.

### پیام... از ص 1

سعادت، امنیت و آسایش برای کودکان و نوجوانان باشد. من بعنوان کسیکه رفاه و خوشبختی کودکان و دور نگه داشتن آنها از آزارهای جسمی و روحی آرزوی همیشگیم است خودم را در این روز

### جنایتی هولناک

#### قتل و سرقت اعضای بدن رضادانش

بارها شنیده بودیم بیمارانی که بخاطر برداشتن آپاندیس یا ناراحتیهای گوارشی مورد عمل جراحی قرار گرفته اند، منتهی پس از بهبودی و در مراجعات بعدی به پزشک دریافته اند که یکی از کلیه هایشان به هنگام بستری شدن در بیمارستان و در حین عمل بخاطر مواردی که ذکر شد توسط پزشک معالج و بدون آگاهی آنان برداشته شده است. در گذشته جنایتکاران تنها به دزدیدن یکی از کلیه های بیماران اکتفا میکردند اما این بار خبر بمراتب

تنها دوست دارند بلکه به عنوان انسانهای متساوی الحقوق با خود میشناسند در همه شهرهای کردستان و ایران به استقبال این روش و سنت انسانی بروند و این نمایش را به اجرا در آورند. بگذارید صدای دفاع از حقوق کودک و کودک دوستی در جامعه طنین انداز شود. بگذارید این نمایش انسانی خاری در چشم و سیلی ای بر صورت حاکمانی باشد که ضدیتشان را با کودک، با زن، با کارگر و با کل انسانیت هر روزه از مندا و مطبوعات و بلندگوهای مساجدشان، فریاد میزنند و به نمایش در می آورند. اکنون جشن و فستیوال آدم برفیها مستقیما به حقوق کودک مربوط شده است. این حرکت در هر گوشه جامعه ما به انجام برسد، نشان از سلامت فکر و احترام به سعادت انسانها دارد. مردمی که اینچنین به حقوق نسلهای آینده خود احترام نمیتواند در مورد حقوق انسانی امروز خود ساکت باشد و نبوده اند. این نه تنها نشان از سلامت آحاد جامعه ما بلکه نشانه رزمندگی و سرزندگی و امید به آینده است.

به امید آنکه زمستان و برف امسال شاهد جشنهای با شکوه دیگر در دفاع از حقوق کودک و در نمایش احترام به انسان و آزادی و حرمت انسانی باشد. جشن آدم برفی ها به زبان کودکان به حاکمان ضد کودک و ضد انسان میگوید که دستشان از خراب کردن زندگی کودکان کوتاه! به جامعه میگوید که کودکان با بزرگان متساوی الحقوق اند، همانطوری که زنان و مردان با هم برابرند و باید باشند. به همگان میگوید، جامعه ای میخواهیم که در آن کودکان در سلامت و امنیت زندگی کنند و بیاموزند و بزرگ شوند و زنان و مردان با هم برابر باشند. بر تن آدم برفیها بنویسیم که کودکان ما و ما به کمتر از آزادی و برابری راضی نیستیم. برفها آب میشوند اما از همین حالا نهال آزادی و آرزوهای انسانی ما برای جامعه آزاد و برابر در قلبهایمان جوانه میزند و بهار پر از گل و شادی را برای خود و کودکمان به ارمغان می آورد. زنده بمانید دوستان، پدران، مادران و جوانان سازمان دهنده و شرکت کننده در جشن و فستیوال آدم برفیها! و شما دوستان در شهرهای دیگر از تهران، تبریز، رضاییه، مهاباد، پیرانشهر، بوکان، سنقر و ...! برفها منتظر شما و کودکانتان هستند. به این نمایش سفید و باشکوه به نشانه دفاع از حقوق کودک و دفاع از حرمت انسان ببینید! یک روز شاد و پر افتخار و خاطره ای خوش منتظر شما و کودکانتان است! این فرصت را از دست ندهید!

کودکان در محل مراسم نصب که مردم با اشتیاق در دوران حلقه می زدند و عکس و فیلم می گرفتند فعالین و اعضای کانون دفاع از حقوق کودکان شهرستان بانه در مورد حقوق کودک و موارد نقض حقوق کودک و برنامه های این تشکل با مردم صحبت کردند. اعضای کانون در مورد زندگی کودکان بی پناه و نقض حقوق کودک در محل با شرکت کننده گان صحبت میکردند. دهها نفر از مردم شهر بانه در این مراسم به عضویت کانون درآمدند و دهها نفر دیگر تقاضای ارتباط و عضویت در کانون دفاع از حقوق کودکان را کردند. شهروندان بانه ای در مورد کودک آزاری و تهدید کودکان با اعضای

شاد و با شکوه شریک میدانم و امیدوارم با حمایت و پشتیبانی از کانون دفاع از حقوق کودکان و تلاش بیشتر بتوانیم حقوق کودکان و نوجوانان و زندگی شایسته ایی را برای آنها متحقق نماییم. از همینجا به همه سازماندگان و

کانون گفتگو و بحث کردند و با خوشحالی می گفتند کارهایی که کانون می کند مردم را به رعایت حقوق کودک توجه می دهد. فعالیتهای کانون را در تاثیر گذاری مثبت بر زندگی کودکان مورد تایید قرار می دادند. طبق گفته شهروندان بانه ای برگزاری چنین مراسمی در شهر بانه با این گستردگی و شکوه بی سابقه بوده است. خبر برگزاری این مراسم با گرمی و علاقه در میان مردم شهر بانه دم به دم میشود. این مراسم بنا به فراخوان کانون دفاع از حقوق کودکان در روز جمعه 13 بهمن 1385 از ساعت 2 بعد از ظهر تا 6 بعد از ظهر در پارک کودکان برگزار شد.

شرکت کنندگان در این حرکت عظیم تبریک میگویم و برای شما کودکان زندگی شادی را آرزو مند.

### رحمت فاتحی

۱۴ بهمن ۱۳۸۵

[rahmatfatchi@yahoo.co.uk](mailto:rahmatfatchi@yahoo.co.uk)  
009647702495540

هولناکتر بود. شکارچیان انسان بدون هیچ ترحمی و در کمال قساوت و بیرحمی حق حیات را با خطر کسب مقداری پول از یک انسان بیگانه سلب کردند.

### مردم آرایخواه:

نیروهای سرکوبگر رژیم ضدانسانی جمهوری اسلامی تنها سرکوب مردم معترض را وظیفه ی خود میدانند و در مقابل این جنایات تنها نظاره کردند. برای دفاع از امنیت، زندگی و شرافت انسانی خود بپا خیزید، حزب حکمتیست راه مقابله با این توحش لجام گسیخته را به شما نشان داده است. هر چه سریعتر گروههای گارد آزادی را تشکیل دهید تا بیش از این شاهد این گونه فجایع نباشیم.

در روز سه شنبه 17/11/85 برابر با ششم فوریه 2007 جوانی 20 ساله که در ترمینال برون شهری پیرانشهر برای امرار معاش کفشیهای مسافران را واکس میزد توسط چند نفر بهانه ی سفر به ارومیه برای تفریح و گردش ربوده شده و در روز بعد جنازه اش در حالیکه قلب و کلیه هایش را برداشته بودند در اطراف ارومیه پیدا شده است. این جنایت بدون شک توسط افرادی متخصص و در بیمارستانی مجهز انجام گرفته است. بیوند قلب

### اطلاعیه فرماندهی گارد آزادی

#### در شناسایی عاملین این جنایت گارد آزادی را یاری دهید

خبر جنایت هولناک سرقت قلب و کلیه یک جوان 20 ساله در شهر پیرانشهر و قتل وی وجدان هر انسانی را تکان میدهد. طبق خبری به امضای رضا دانش از فعالین حزب حکمتیست که در سایتهای اینترنتی پخش شده، در روز سه شنبه 17/11/85 برابر با ششم فوریه 2007 جوانی 20 ساله که در ترمینال برون شهری پیرانشهر برای امرار معاش کفشیهای مسافران را واکس میزد توسط چند نفر به بهانه ی سفر به ارومیه برای تفریح و گردش ربوده شده و در روز بعد جنازه اش در حالیکه قلب و کلیه هایش را برداشته بودند در اطراف ارومیه پیدا شده است. این واقعه قساوت و جنایت تکان دهنده ای است. عین بربریتی است که در کنار دست ما اتفاق افتاده است و نباید تحمل شود. عاملین این جنایت را باید شناسایی کرد و به مردم معرفی کرد و پاسخگوی اعمال جنایتکارانه شان باشند. گارد آزادی تضمین امنیت جان و حیات مردم را در هر منطقه ای که حضور داشته باشد سرلوحه فعالیتهای خود قرار داده و با چنین اقدامات جنایتکارانه ای مقابله خواهد کرد. گارد آزادی با همه امکانات خود در پی شناسایی

ادامه در ص 3

نه هویت قومی، نه هویت مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

## مصاحبه با ... از ص 1

و خسته کننده با نیروهای امنیتی و اطلاعاتی سرانجام موفق میشوند بسیاری از فشارها و مشکلات را خنثی و محدودیتها و خط قرمزها را دور بزنند تا بخشی از زنان را گردهم آورند. مقاومت و مبارزه زنان علیه نابرابری و قوانین زن ستیز عرصه را تاحدی به جمهوری اسلامی تنگ کرده که روز ۸ مارس در واقع به کابوس رژیم تبدیل شده است.

هول و هراس ظهور احمدی نژاد، نه تنها جنبش زنان را نترساند و چنگ و دندان نشان دادن بسیج و پاسدار و زنان کماندوی چادربسر رژیم نتوانست از عهده زیاده خواهی زنان و دختران جوان و قانون شکنی روزمره آنان برآید، بلکه جنبش زنان همچنان با صراحت همیشگی به میدان آمد و در تجمعات ۸ مارس شهرهای مختلف و متعاقباً در تجمع ۲۲ خرداد زنان در جلو دانشگاه تهران، مطالبه برابری زن و مرد را بار دیگر و با صدای بلند روی میز دولت جدید گذاشت.

سال گذشته از ماهها قبل استانداردها و نیروهای امنیتی رژیم بخصوص در کردستان بطور علنی و صریح به نهادها و فعالین زنان اولتیماتوم دادند که اگر ادامه کاریشان را میخواهند خواب ۸ مارس را نبینند!

اما دیدیم که در چند شهر کردستان ۸ مارس علیرغم فشارها و خط و نشان کشیدنها برگزار گردید. نهادها و شخصیتهای برابری طلب که در میان مردم از محبوبیت و احترام خاصی برخوردارند بی تردید پرچمدار این عرصه اند و توانسته اند ۸ مارس را به کارزار مهمی علیه آپارتاید جنسی و بی حقوقی زنان تبدیل کنند.

همه این واقعیات نشان داده و میدهد که جنبش برابری طلبی زنان و مردان آزادیخواه کماکان به پیشروی خود ادامه میدهد.

۸ مارس تنها یک گوشه ابراز وجود اجتماعی و قدرتمند این جنبش است. این حقیقت قابل انکار نیست که اگر حضور و وجود فعالین و نمایندگان رادیکال و چپ و برابری طلب در راس جنبش زنان نبود، خواستههای زنان در چارچوب غروولندهای زنان مجلس

اسلامی و لیبرالهای دوحرداری و جریانهای که با هزار بندناف به رژیم و قوانین و شریعت اسلامی وصل اند محدود و محبوس میماند و اینان همان نقش را که شوراهای اسلامی کار در جنبش کارگری بازی میکنند را در جنبش زنان بازی میکردند.

در کردستان هم ناسیونالیستهای دوحرداری قدعلم کرده و تلاش میکنند بر چهره جنبش رهایی زنان مهر قومی بزنند. این در حالی است که مطالبه زنان و برابری طلبیشان هیچ قالب ملی و مذهبی نمیشناسد.

تحریکات به مناسبت ۸ مارس امسال هم از این قاعده تاکنونی مستثنی نیست. از یک طرف کماکان فشارهای دولتی و نیروهای امنیتی و قیدوبندهای همیشگی وجود دارد و مساله بحران هسته ای و تهدید نظامی امریکا و دیگر بحرانهای اقتصادی و مساله فقر و فلاکت مزید بر علت شده و بهانه بیشتری برای تعرض به جنبشهای اجتماعی از جمله جنبش زنان دست دولت احمدی نژاد افتاده است.

اما از طرف دیگر فعالین و زنان و مردان آزادیخواه برای دور زدن این موانع از تجارب و خبرگی بیشتری برخوردارند.

من مانع جدی را در این رابطه، وجود جریانات و گرایشات راست بطور کلی و یا در کردستان ناسیونالیسم و قومپرستی میدانم. مزاحمتهای اینها را میشود به سادگی کنار زد. اما مساله اساسی این است که آیا ما میتوانیم برای مقابله با موانع استبداد و اختناق بیشترین نیروی انسانی را بخصوص در میان زنان به حرکت در بیاوریم؟

متأسفانه ما شاهد تفرقه گرایی، فرقه بازی، محدودنگری و تنگ نظری در صفوف فعالین چپ جنبش زنان هم هستیم. اگر این نبود و یا اگر بشود بر این مانع که من آن را مرضی در جنبشهای اجتماعی مینامم فایق آمد، آنوقت میتوان سراغ زنان به وسعت جامعه رفت و بسیجی عمومی و همگانی علیه آپارتاید جنسی راه انداخت.

زنان در ایران صرفظنر از هر تعلق و وابستگی طبقاتی و یا گرایشات فکری و سیاسی و ... همه از درد مشترکی مینالند. تفهیم اینکه درد مشترک را باید با

اقدامی دستجمعی و مشترک جواب داد مشکل نیست.

اما کسانی میتوانند این کار را بکنند که خود را از درد فرقه بازی و خودمحور بینی و به کارهای کوچک راضی بودن رها کرده باشند و با روی گشاده سراغ همه کسانی بروند که این درد مشترک را حس کرده اند.

تلاش در سازمان دادن یک حرکت اجتماعی بزرگ و یک کاسه کردن نیروی زنان و بخصوص جمع آوری فعالین زنان زیر یک چتر واحد در آستانه ۸ مارس امسال، میتواند جنبش زنان را گامی دیگر به جلو سوق دهد.

اگر فعالین چپ در جنبش زنان از تهران و اصفهان و مشهد و تبریز تا سمنجان و سقز و مهاباد با این روش سراغ جامعه بروند من اطمینان دارم که هزاران و دهها هزار زن و دختر جوان که هیچ وابستگی فرقه ای و قومی و غیره ندارند به استقبالشان میروند. و باز اطمینان دارم که فعالین حقوق زن با گرایشات متفاوت، اگر واقعا دردمند باشند به این راه و روش اجتماعی سمپاتی نشان خواهند داد. گیریم در یک

تجمع بزرگ زنان به مناسبت ۸ مارس هر کس با بیان خود از خواستههای زنان حرف بزند. چه باک! بگذار هزاران و دهها هزار زن در اجتماعات بزرگ و کوچک ۸ مارس حرفهای متفاوت و حتی رنگ و بو دار قومی و مذهبی هم بشنوند و حرفهای سر راست فعالین چپ جنبش خودشان را هم بشنوند و قضاوت کنند. بگذار این شانس و فرصت را به توده زنان و دختران جوان بدهیم که در ابعادی وسیع و ماکرو بیانههای مختلف را بشنوند و نمایندگان واقعیشان را انتخاب کنند. این انتخاب نه در روز ۸ مارس تنها با تشویق و کف زدنهایشان بلکه در روزها و هفته و ماههای بعد از ۸ مارس ادامه خواهد داشت. یک نیروی عظیم اجتماعی در میان زنان و دختران جوان آزادیخواه، دوستان و سخنگویانش را میطلبید!

**لکنتبر: شعراهای محوری که بتوانند، ابعاد اجتماعی هر چه وسیعتری به مراسم و تجمعات ۸ مارس و کلا جنبش برابری طلبی زنان و رابطه ای**

**هر چه عمیقتر به آن بدهند. چه باید باشند؟**

**پری زارع:**

از نظر من چتر واحد یا شعار و مطالبه واحد، چتر و یا شعار این و آن حزب و گرایش و جریان معین نیست. مطالبات واحد وجود دارد. از ۸ مارس ۵۸ که توده عظیم زنان در تهران به خیابان آمدند وجود داشته است.

زنان ایران از دارا و نادر و کارگر و کارمند و دانشجو و خانه دار یک خواست و یک آرزو دارند. در ادبیات حتی چپ معمولاً بحث برسر اینکه خواستههای این و آن جنبش را باید فرموله کرد و یا قطعنامه و شعار رادیکال داشت خیلی مرسوم است و همه هم منظورشان از قطعنامه و شعار، فرمولهای جریانی است که گویا خود محور آندند.

زنان میخواهند با مردان برابر باشند. همین زن و مرد برابری میتواند شعار محوری ۸ مارس امسال باشد. به علاوه زنان از تبعیض جنسی بیزار و متنفرند. از دست آپارتاید جنسی زله و حتی بیمار شده اند. گفتن اینها و نوشتن اینها هنر خاصی نمیخواهد.

جنبش زنان الزاما فرمول و شعار خاص این و آن جریان چپ و یا راست نیست. خواست زنان کاملا سر راست است.

لغو سنگسار و اعدام! زن ستیزی و تحقیر و اهانت به زن موقوف! دست قوانین مذهبی و شرعی و مردسالار از زندگی زنان کوتاه! دخالت در زندگی زنان در انتخاب آزاد دوست و همسر، در انتخاب آزاد شغل، پوشش، سفر، طلاق و ... کوتاه!

برابری زن و مرد بی اما و اگر! و ... با این خواسته ها که گویی آرزوهای دست نیافتنی هستند سراغ همدیگر و همه از چپ و فمینیست و ... برویم. فعالین زنان را از زیر پر و بال این و آن قید و بند و اما و اگر بیرون بیاوریم. آنوقت معلوم میشود که آن چند نفری که در نهادهای دولتی به نام زن اما در عمل علیه حقوق زن حرف میزنند و یا فمینیستهای اسلامی و یا کسانی که درد زن را در لفاقه قومی میبینند، حنایشان رنگی نخواهد داشت.

[husionzade\\_r@yahoo.com](mailto:husionzade_r@yahoo.com) :

[agolchini@yahoo.com](mailto:agolchini@yahoo.com)

[m.fatahi@gmail.com](mailto:m.fatahi@gmail.com)

[darabi\\_abe@gmail.com](mailto:darabi_abe@gmail.com)

رحمان حسین زاد ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷  
اسد گلچینی ۰۰۴۶۷۹۴۰۴۱۶۷۶۸  
محمد فتاحی ۰۰۴۶۷۸۸۱۸۸۵۸۱۵  
عبدالله دارابی ۰۰۴۶۷۰۵۴۰۲۱۳۳  
آدرس ای میل ها به ترتیب چنین است

با شماره تلفنها و آدرس ای مایلهای زیر اطلاعات خود را در اختیار ما بگذارید.  
فرماندهی گارد آزادی  
کمیته کردستان حزب حکمتیست  
عبدالله دارابی  
19 بهمن 1385 - 8 فوریه 2007

عالمین این فاجعه خواهد بود. از همه مردم شرافتمند در پیرانشهر و دیگر شهرهای اطراف، از انسانهای آزادیخواه و فعالین و سمپاتهای حزب حکمتیست در منطقه میخواهد ما را در شناسایی این جانیان سنگدل یاری دهند،

نشود و این "سیاست اسلامی" ناکام ماند. جواب رد و محکم ما و مردم کردستان موجب رسوایی کل صف ناسیونالیسم در این واقعه شد. دیگران، حمایت کنندگان این فراخوان می‌توانند به روی خود نیاورند و سکوت کنند و همین کار را هم کرده‌اند. اما نورافکن بر فراخوان دهنده متمرکز است. به دنبال این ناکامی و در فاصله ده روزه نهاد "حقوق بشر" با انتشار دو اطلاعیه پشت سرهم این شکست را توجیه و به وقوع آن اعتراف میکند. در هر دو اطلاعیه شکوائیه‌ها و عصبانیت این نهاد از فعالیتها و افشاگریهای حکمتیستها در مقابله با آکسیون "روزه سیاسی" و ماهیت قومی این نهاد صراحتا ابراز شده است. در مورد عکس العمل قابل انتظار سازمان "حقوق بشر" بر علیه صف آزادیخواهی و حکمتیستها در کردستان توضیحاتی لازم است.

### تحریفات و واقعیات

هر دو اطلاعیه نهاد "حقوق بشر" کردستان همزمان واقعیات و تحریفات را علیه نقش و کارکرد حکمتیستها در جریان کشمکش مربوط به "روزه سیاسی و روز ملی" تاکید میکنند. ابتدا این واقعیات را تایید میکنند که حکمتیستها نقش موثری در ناکام کردن آکسیون "روزه سیاسی و اعلام روز ملی" داشتند. در یک کلام این شکست و ناکامی خود را از چشم حکمتیستها میبینند. عصبانیت و ادعاهای غیر بالانس این نهاد از همین جا ناشی میشود. در اطلاعیه اول از این شکلیت دارند که توسط "نیروی مسلح آزادی" که منظورشان گارد آزادی است، تهدید شده‌اند و در اطلاعیه دوم به تاریخ 15 بهمن از این عصبانیت اند که آنها را نهاد "حکومتی و دولتی و ملی و قوم پرست" نامیده ایم. سازمان "حقوق بشر" سطوح مختلفی از مسائل را به دلخواه خود قاطعی کرده است. به مواردی از آن اشاره میکنم.

**اولا:** واضح است حضور موثر واحدهای گارد آزادی در چند ماهه اخیر در شهرهای کردستان و بویژه در همان هفته ای که این جریان قصد "روزه سیاسی" و اعلام "روز ملی" را داشت، بر فضای جامعه تاثیر گذار بوده و تهدیدی علیه فعالیتها و ترندهای ناسیونالیستی و از جمله تاکتیک روزه سیاسی و جست و خیز این نهاد بوده است. اینها این واقعیت را لمس میکنند که حضور گارد آزادی نوید دهنده یک

امید بزرگ برای تحرک آزادیخواهانه مردم و یک مانع جدی در مقابل تحرک ناسیونالیستی، عقب مانده و گمراه کننده علیه مردم است. قابل دسترس کردن یک ابزار قدرت مردم در مقابل جمهوری اسلامی و هر جریان سیاه و قومی و ارتجاعی است که بخواهد اعتراض برحق مردم علیه جمهوری اسلامی را به بیراهه بکشد. گارد آزادی در حال حاضر با حضور خود پیام آزادی و برابری را به میان مردم میبرد و مردم را از دنباله روی از ارتجاع اسلامی، قومی، ملی و ناسیونالیستی برحذر میکند. راه موثر و آزادیخواهانه اعتراض و مبارزه و سیاست و ابزار و نیروی آزادیخواهانه مبارزه را به آنها نشان میدهد. راه منزوی کردن ارتجاع و ناسیونالیسم و قوم پرستی را ترسیم میکند و سیاستها و روشهای ملی و اسلامی و گمراه کننده را همچون همین مورد "روزه سیاسی" افشاء میکند. این اقدامات گارد آزادی عین فعالیت سیاسی و اجتماعی یک نیروی مسلح آزادیخواه و متعهد به مردم است. نفس حضور و وجود چنین نیرویی در وهله اول تهدیدی سیاسی علیه ارتجاع و عقب ماندگی و ناسیونالیسم است. اگر ناسیونالیستها و نهاد حقوق بشری آنها تهدیدی را لمس کرده‌اند، همین تهدید سیاسی است و تهدید نظامی در کار نبوده است. نهاد "حقوق بشر" با این تحریف مظلوم نمایی میکند تا افشای سیاستها و همین تاکتیک روزه سیاسی را توسط گارد آزادی و حکمتیستها، نزد صفوف ناسیونالیستها توجیه کند.

ما گفته ایم در حال حاضر گارد آزادی زمانی اقدام به عمل نظامی میکند که یک نیروی ارتجاعی و زورگو علیه مردم اقدام به تهدید و اقدام گنشته مشابه مواردی که سال گذشته مزدورانی تحت نام "گفن پوشان اسلامی" بعضی از شهروندان مریوان را تهدید کردند و عینا با التیماتیوم و تهدید موثر فرماندهی گار آزادی روبرو شدند و حساب دستشان آمد.

**دوما:** ناراحتی دیگر سازمان "حقوق بشر" کردستان این موضوع است که گویا ما سازمانشان را حکومتی و دولتی معرفی کرده ایم. نهاد آنها خود را مستقل از دولت اعلام کرده است. صرف نظر از ماهیتشان ما هم علاقمندیم مستقل از دولت باشیم. اما حقیقت اینست این نهاد خود را شاخه "حقوق بشری" جنبشی ناسیونالیستی معرفی کرده که حی و

حاضر یک سر آن در حکومت و دولت و سر دیگر آن در اپوزیسیون است. خود سازمان حقوق بشر و بسیاری شخصیتها و نهادهای ظاهرا مستقل دیگر وسط هر دو گویا لولای اتصال این دو بخش "جنبش کردابه تی" هستند. همکاریها و همسوییها و طومار امضا کردنیهای مشترک با فراکسیونهای سابق و امروزی درون مجلس اسلامی و با امثال بها ادب و جلالی زاده و ولد بیگی و با جبهه متحد کرد و رابطه گنگ و آلوده با ناسیونالیستهای درون حکومتی مرزهای این جریانها به ظاهر مستقل را بسیار مخوش کرده است. و دقیقا این مرزهای مخوش خود حاصل ناسیونالیسم و ملی گرایی است که در اساس افق و تصویر و سیاست و فرهنگ و سنت عقب مانده آن با ارتجاع حاکم ریشه بسیار مشترکی دارد، که مرز مجزای محکمی وجود ندارد. همین فراخوان "روزه سیاسی" دارای چنان ظرفیت عقب مانده ای بود، که مورد حمایت نوم خرد ادبهای سابق در کردستان و شاخه های مختلف ناسیونالیستها و ملی گراهای قانونی کرد، از جمله شاخه دولتی آن، فراکسیون نمایندگان سابق و کنونی مجلس اسلامی و امثال بهاء ادب و جلالی زاده قرار گرفت. خیل ناسیونالیسم کرد حکومتی و غیر حکومتی، قانونی و غیر قانونی، قوم پرست و غیر قوم پرست، ملی غیر مذهبی و ملی مذهبی از درون مرز و از برون مرز به این فراخوان پیوستند. سیاست و تاکتیک ارتجاعی و بی ربط به مردم، ارتجاع حکومتی و غیر حکومتی را به دنبال میکشد. اگر این نهاد از تداعی شدن با ناسیونالیستهای دولتی نگران است، باید فکری به حال فلسفه وجودی و سیاست و تاکتیکهای خود بکند. آب از سرچشمه گل الود است.

**سوما:** و تعجب آور اینکه از اسم بردن از آنها به نام جریان ملی و قومی برآشفته‌اند. ظاهرا پوشش "حقوق بشر" به این منظور انتخاب شده تا هر جا و هر زمان ناکامی و کوس رسوایی قوم گرایی و ملی گرایی به صدا درآمد، به چهره "حقوق بشریشان" بچسبند. اما در پس نمایش "حقوق بشری" دم خروس قوم گرایی غلیظ و فاشیستی بیرون میزند. نهادی که بنیادش را طبق گفته و پلانفرم صریحشان "نفاع از حقوق بشر کرد" اعلام کرده‌اند، از

همان بنیاد عرصه حقوق بشر را قومی و نژادی اعلام کرده‌اند، از همان بنیاد حقوق جهانشمول بشر را هم تابع "ملیت" کرده‌اند و چیزی جز یک راسیسم قومی را زیر لوای "حقوق بشر" نمایندگی نمیکند. بگذار مقایسه بکنیم هم اکنون سازمان جهانی و مشهور حقوق بشر به نام "امنستی انترنشنال" در سراسر دنیا فعالیت میکند. مرکز اصلی این سازمان در انگلستان است. اگر این نهاد اعلام کند که وظیفه اش دفاع از "حقوق بشر انگلیسی‌ها" است. فقط زمان تعرض به حقوق آنها آکسیون و اعتراض دارد در دنیای متمدن چنین نهادی را نه تنها مدافع حقوق بشر نمیدانند، بلکه علاوه بر تنفر و انزجار عمومی، چه بسا به عنوان نهاد راسیستی فعالیت آن را رسما ممنوع اعلام کنند.

سازمان "حقوق بشر" کردستان و کارکرد تکنونی آن از این جنس است. جریانی که حقوق جهانشمول بشر را به "حقوق بشر" ملیت خود تقلیل میدهد. تنها زمان تعرض سرکوبگران به هم "ملیتپاش" اعتراضی دارد. زمانی که رسما نگران افزایش جمعیت غیر کردزبانان شهر سنج و آن را به ضرر "کردها" تبلیغ میکند، قبل از هر چیز ضدیت خود را با حقوق بشر به طور کلی و با حقوق شهر وندی نشان میدهد. چنین نهادی قومی و فاشیستی و ربطی به حقوق بشر ندارد. اگر حقوق بشر نزد اینها احترامی میداشت، میبایست به نام حقوق بشر فعالیت نکنند. آنچه اکنون تحت نام "حقوق بشر کردستان" ایجاد شده یک نهاد قومی و ارتجاعی مثل دیگر نهادهای ارتجاعی ناسیونالیستی و مردم با همین نام باید آنها را بشناسند.

**در خاتمه** تاکید میکنم، در هفته ای که نهاد "حقوق بشر" کردستان میخواست بساط "روزه سیاسی" و اعلام "روز ملی" را پهن کند. حکمتیستها و گارد آزادی با فعالیت موثر خود، با حضور علنی و موفق گارد آزادی در شهرهای مهاباد و سنج در کنار مردم آزادیخواهی قرار گرفتند که نقش مهمی در شکست پروژه "روزه سیاسی" و اعلام روز ملی "ناسیونالیستها و شاخه "حقوق بشری" آنها ایفا کردند. آن هفته، به هفته شکست آنها و پیشروی مردم و جنبش و حزب ما تبدیل شد. شکوائیه‌ها و بغض و کینه ناسیونالیستها و نهاد حقوق بشر آنها ریشه در این واقعیت دارد.